گفت‌وگوی کیهان با دوستان و همسر شهید مدافع حرم جاویدالاثر «مهدی حیدری»

از همدان تا خان‌طومان

مجتبی برزگر

ظاهراً شـهادت یک حادثه یا یک نقطه نیسـت بلکه یک جریان است و فقط در تجلّی تیر و خون و شمشـیر خلاصه نمی‌شـود. اصل شـهادت در همان جهاد و مجاهدت اسـت، که به دنبال خود شهادت دارد. شهادت برای دلخوشی مجاهدان است، در پایان خط زندگی دنیا؛ این طور اگر در بستر هم بمیری شـهیدی. شهادت یک سبک زندگی اسـت؛ سبک زندگی نه سبک مـرگ! حالا در این بین شـهادت به سبک گمنام شدن نصیب یک مجاهد بشود دیگر اوج خوشبختی است. زیرا شـهید گمنام یعنی کسی که به مادر سـادات اقتدا کند. این‌ها را گفتیم تا از شـهید مدافع حرمی روایت کنیم که هـر موقع وارد هیئت یا جلسـه روضه حضرت سیدالشهداء(ع) می‌شد، شـروع می‌کرد به مجلس‌گردانی! در وسط مجلس می‌ایستاد و سینه می‌زد و دیگران را به عزاداری دعوت می‌کرد. به سراغ خانواده‌ای رفتیم که ۱۰ روز از مهدی خبر نداشتند و وقتی هم اطلاع پیدا کردند نتوانستند برای آخرین بار چهـره‌اش را ببینند. حالا خود مهدی هر شـب به خواب هانیه همسـرش می‌آیـد و به او می‌گویـد؛ چرا گریه می‌کنی؟ من هنـوز زنده‌ام... و چنان آرامش، متانـت و صبر زینب‌گونه‌ای به همسـرش القاء کرده که وقتی با او صحبت می‌کنی باور نداری که چندی است عزیزی را از دسـت داده است. یاد آن مصاحبـه کوتاهی که مهدی قبل از رفتنش در قرارگاه سـازندگی خاتم‌الانبیاء(ص)-محل کارش انجام داده می‌افتیم که در آن از انگیزه‌های حضـورش در جمع مدافعـان حرم صحبت می‌کند؛ «کشور سوریه مردم مظلومی دارد. هرجا که صدای مظلومی شنیده می‌شود، وظیفه مسلمانان است که به کمکش بشـتابند». بسیاری از دوسـتان و همکارانش با شنیدن این سـخنان و رفتارهای خاص مهدی به این باور رسـیده بودند که دنیا برای مهدی دیگر تمام شده و او دیگر تعلقی به این جهان ندارد. چراکه او تنها ۱۰ روز در مناطق عملیاتی حضور داشت و به درجه رفیع شهادت که سال‌ها در مجالس عزاداری امام حسین(ع) از ائمه اطهار طلب کرد، نائل آمد.

شـهید مهدی حیـدری متولد بیسـت و هشـتم بهمن سال ۱۳۶۳ در قروه همدان، دارای کمربند مشکی جودو، خادم حرم حضرت عبدالعظیم حسـنی(ع)، مربی دفاع‌شخصی و از همه مهم‌تر جوانی که با داشتن همسر و یک پسـر که اول اردیبهشـت وارد پنج سالگی شد از همه تعلقات دنیوی گذشـت و بیست و یکم دی سال ۹۴ در سوریه به شهادت رسید. در حالی که ۱۰ روز بعد، خبر شـهادتش را به خانواده‌اش دادند. در ادامه مشـروح مصاحبه ما با دوستان و همسر شهید مدافع حرم جاویدالاثر مهدی حیدری را مطالعه بفرمایید.

تقریباً بیش از سـه ماه است که هانیه مالمیر، در غم فراغ همسـرش مهـدی حیـدری صبـوری حضرت زینب(س) و غیرت حضرت عباس(ع) را تمریـن می‌کنـد و به پسـر پنج ساله‌اش محمدمهدی می‌آموزد. وقتی با او تماس گرفتیم نه مثل یک همسر جوان بیسـت و هفت‌ساله بلکه مثل فردی پخته و روزگار دیده و اهل‌بیتی با سؤالات ما برخورد کرد و از خاطراتی گفت که این‌روزهـا یادگاری‌هایی از همسـرش هستند که به هرکدام‌شان عشـق می‌ورزد. مصاحبه را با سؤالی از سـال شـروع زندگی مشـترک و این‌که وقتی مهـدی با خانواده‌اش به خواستگاری آمدند با شغل پاسداری و درآمد پایین او مشکلی نداشتید، آغاز کردیم. و حال برسـیم به پاسخ‌های همسر شهید:

تصور نمی‌کردم روزی شهید بشود

سال ۸۶ که با هم ازدواج کردیم، مهدی سه سالی می‌شد که پاسدار بود. خدمتش را در سپاه کرج شروع کرد و یک ماه پس از ازدواج به نیروی زمینی سپاه رفت. آن زمان در قسمت مخابرات بود و به گفته خودش شغل کارمندی داشـت. به همین‌خاطر هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم که روزی به شهادت برسد. امـا بعدها در طول زندگی احسـاس مسـئولیت‌های مهـدی را در مقابل اتفاقات مختلف نسبت به انقلاب و مردم دیدم به این نتیجه رسیدم که او آدمی نیست که تنها به آرامش خود بیندیشد و دیگران برایش اهمیتی نداشته باشند.

می‌دانستم او دست‌بردار نیست

طولـی نکشـید که آقـا مهدی لیسانس آی‌تی‌شـان را گرفتند و به بخش نظامی منتقل شـدند. شـاید وقتی اتفاقات شـمالغرب در سال ۹۰ به شدت خودش رسید و او داوطلبانه به جمع مجاهدان مقابله با این فتنه‌ها شتافت دیگر فهمیدم او کسی نیست که دست روی دسـت بگذارد. حتی وقتـی ابتدای سـال ۹۴ بـه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) انتقال پیدا کرد هم اضطرابم تمامی نداشت. چون می‌دانستم او دست‌بردار نیست؛ ماه‌ها برای رفتن به سـوریه تـلاش کرد و بالاخره هم به مقصودش رسید.

مهدی عاشق پسرمان بود؛ وقتی پسـرمان بدنیا آمد آن‌قدر خوشحال شده بود که با شناسنامه به بیمارستان آمد. وقتـی صفحه اول شناسـنامه را بـاز کردم دیدم نامش را گذاشـته «محمدمهدی»! همیشـه هم تأکید می‌کرد او را محمد یا مهدی صدا نکنید نام کامل پسرم هست؛«محمدمهدی». هر موقع دوسـتان و آشـنایان از او به خاطر گذاشـتن این اسـم سؤال می‌کردند که اسـم خودت هم مهدی است،چرا اسم این فرزند را محمدمهدی گذاشـته‌ای؟! مهدی هـم در جواب می‌گفت؛ نام امام زمان آن‌قدر زیباست که حیفم آمد روی پسرم نگذارم.

محل کار همسرم از خانه‌مان که ورامین اسـت خیلی دور بود، ایشان قبل از روشـنایی می‌رفـت و حداقل سه‌سـاعت در راه بود. به همین‌خاطر در طول‌هفته کمتـر محمدمهدی را می‌دید، اما در روزهای تعطیل جبران می‌کـرد و این پدر و پسـر همه‌جا با هم بودند. اصلاً پسـرمان می‌دانست این پنج‌شـنبه و جمعه یا بهشت زهرا می‌روند و یا حرم حضرت عبدالعظیم حسنی و خودش را آماده می‌کرد. اما هفته آخر هیچ‌وقت یادم نمی‌رود که هم بهشـت زهرا رفتیم و هم حضرت عبدالعظیم را زیارت کردیم.

آن روز یکی از دوسـتان شـهید حیدری با خانواده‌شـان در ماشـین مـا بودنـد و بعد از زیـارت حضرت عبدالعظیم به طرف بهشت زهرا رفتیم.

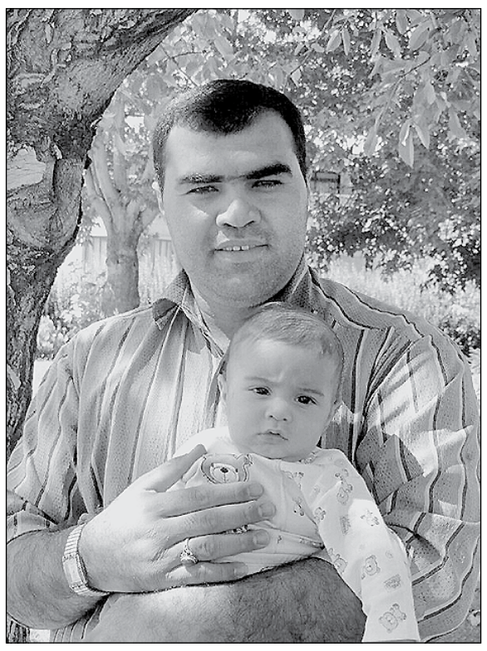

وقتی وارد اتوبان مربوط به بهشت زهرا شدیم یک حالت ذوق‌زدگی خاصی در محمدمهدی بوجود آمد. در طول این چهار سـال چنین حالت ذوقی را در پسرم ندیده بودم. آقا مهدی در پاسخ به این سؤال که این ذوق محمدمهدی برای چه بود؟،گفت کـه می‌داند که پدرش روزی شهید می‌شود و در این جا خاکش می‌کنند، خوشحال شده است. دوستش گفت شهادت لیاقت می‌خواهد و او یک جوابـی داد که قدری من را ترساند... آقا مهدی گفت حالا می‌بینی که چه کسی لیاقت دارد... حتی همسر دوستش پس از این سخن به من گفت از نظرمن نگذارید به سوریه برود.

وقتی به خانه آمدیم دوستش به مهدی گفت ان‌شاءالله بروید و برگردید یک بنری برای عرض زیارت قبول برای شما نصب خواهیم کرد. ایشان هم گفت اگر افقی آمدم که نمی‌خواهد ولی اگر عمودی برگشتم همه یکی دو بنر برایم خواهند زد. از او پرسیدیم چرا دو تا؟ گفت یکی جلوی خانه پدرم و یکی در مقابل منزلم.

خانم؛ پیشاپیش تولدت مبارک

۱۹ دی با هم تماس تلفنی داشتیم کـه گفتنـد می‌دانـم ۲۴ دی تولد شماست، ان‌شـاءالله روسفید برگردم تماس می‌گیرم و روز تولدتان را تبریک خواهم گفت، اگرنه پیشاپیش تولدتان مبارک. و دیگر از ایشان خبری نداشتم تا خبر شهادتشان را یکم بهمن به ما دادند. آن روز بسـیار شـوکه شدم و ترسیدم. تا سه روز هم گریه می‌کردم.

امروز به مـن می‌گویند تو خیلی صبـوری! بله، این صبـوری را هم از خود مهدی یـاد گرفتم. مهدی واقعاً خیلـی صبور بود. از طرفی هم اعتقاد دارم مهدی برای دفاع از حرم حضرت زینب(س) رفته و این شـهادت بسیار ارزش دارد. من همیشـه فکر می‌کنم داغ من کجـا و داغ بی‌بی زینب(س) کجا... بنابراین خجالت می‌کشـم که فریاد عزاداری برآورم.

تقلا برای حضور در میدان نبرد

به دلیل اضافـه وزن، با حضور او در میـدان رزم موافقت نمی‌کردند. به همین‌خاطر بعد از ماه مبارک رمضان به مدت ۴۰ روز هم روزه گرفت و پس از افطار هـم ورزش می‌کرد. وقتی به وزن مناسب رسید هم به او می‌گفتند؛ تو مرد رزم نیستی! اما هشت ماه تلاش کـرد و در دوره تخصصی تیراندازی و آمادگـی رزم هم حضور یافت تا همه شـرایط برای اعزام به سـوریه را به دست آورد.

رزمنده‌ها می‌گویند شـب‌آخر آقا مهدی از فهرسـت اعزام خط خورد و به او گفتند به منزل برود. تا صبح گریه کرد؛ اما می‌گویند موقع نماز صبح یک آرامش خاصی داشت. از او سؤال کردیم که چه شـده به منزل می‌روی؟ گفت اگر خدا بخواهد نامم در فهرست خواهد بود. همان هم شد و فرمانده، اولین نامی را که خواند، مهدی حیدری بود. اصلاً تعجب نکرد و برایش عادی بود. رفت از داخل ماشین پاسپورتش را آورد تا کارهای مربوط به اعزام انجام شود.

دیگر هیچ وقت برنگشت!

روز اول کـه به دنبال بنده آمدند فکر کردم برای دیدن پیکر آقا مهدی می‌روم و بعد فهمیدم که برای خواندن وصیت‌نامه اسـت. چراکـه تنها خانم حاضر در محل من بودم. از هرکسـی هم سـؤال می‌کردم جوابـی به من نمی‌داد. وقتی وصیت‌نامه خوانده شد از پدر خودم سؤال کردم پس پیکرش چه شـد؟ گفت آقا مهدی پیکر ندارد! البته در ابتدا می‌گفتند موشـکی به آمبولانس‌شان زده‌اند که چیزی از پیکر او باقی نمانده است و سپس گفتند یکی از دوستان مهدی مجروح می‌شود، او برای آوردن دوستش جلو می‌رود و از ناحیه سر تیر می‌خورد.

به نیابتش می‌رویم به زیارت شهدای گمنام

فقط از این ناراحت شدم که اگر پیکرش برمی‌گشـت محمدمهدی می‌توانست برای آخرین بار پدرش را ببینـد. الان هم بـه نیت او هر پنج‌شـنبه می‌رویم گروه شهدای گمنام امامزاده طاهر خیرآباد زیارت می‌کنیم. البته همزمان با شهادت او یک شهید افغانستانی هم به امامزاده آوردند، چون پدر و مادری ندارد به نیابت آنها هم به این شـهید ادای احتـرام می‌کنیم. هر وقت حضرت زینـب(س) اجـازه دادند پیکرش برمی‌گردد. اما من به سالم بودن پیکر او ایمان دارم، چون مهدی هیچ‌وقت غسـل جمعه‌اش ترک نمی‌شد. از طرفی هم بارها به خواب من آمده و گفته من زنده‌ام.

آرامگاه نمادین شهید حیدری

پشیمان نیستم

وقتی به من گفت می‌خواهد به سـوریه برود کاملاً مخالفت کردم. مهدی به من گفت پس امسال محرم نه من به هیئت می‌روم و نه می‌گذارم شما بروید. اگر سلفی‌ها هم به حرم حضرت زینب(س) صدمه بزنند من یک لحظه هم با تو زندگی نمی‌کنم. وقتی دیـدم آن‌قدر برایش اهمیت دارد، موافقـت کـردم. بعد از دوره آموزشـی و موقع وداع که قرآن را روی سـرش گرفتم بـه من گفت: همه حرف‌ها و تهدیدهایی که کردم شوخی بود. اگر واقعاً راضی نیستی، نمـی‌روم. من هم گفتـم برو خدا پشت و پناهت و او هم رفت. بماند که بعد از شهادتش بسیاری به من طعنه زدند که چرا اجازه دادی برود اما من اصلاً پشیمان نیستم. مهدی برای همـان اعتقاداتـی رفت که عمری در مسیرش تلاش کرده بود. به نظر من او عاشـق اهل‌بیت بود و معشوق همیشه در مسیر عشق قدم برمی‌دارد.

فقد شهادت او را آرام کرد

سـجاد نیکومنش سال ۸۹ که وارد نیروی زمینی سـپاه شد برای اولین‌بـار مهدی حیـدری را دید. وقتـی صبر و شـکیبایی، مهربانی و خیرخواهـی او را دیـد، باب این رفاقت باز شد. وی می‌گوید: صبر و شکیبایی او در برخی اوقات فتنه‌ها و درگیری‌هایی را میان دوستان از بین می برد. سـعی می‌کرد مشکل دیگران را به هـر صورت حل کند و سـنگ‌صبوری برای دوسـتان و همکاران باشد.

وی با بیان اینکه شهید حیدری عاشق امیرالمومنین(ع) بود، اضافه کرد: با وجود اینکه سـید نبود اما عیدغدیـر اسـکناس‌های نو تهیه می‌کـرد و به دوسـتان و همکاران عیدی می‌داد. در مجالس اهل‌بیت، مجلس‌گردانی می‌کـرد، حتی در مراسم‌های سازمانی که افراد برای خودشان یک سیستمی قائل هستند او به هیچ‌چیز، جز گرم‌کردن مجلس روضه حضـرت سیدالشـهداء(ع) نمی‌اندیشید.

نیکومنـش خاطرنشـان کرد: شرایط کاری مهدی بعد از انتقال به قرارگاه خاتم بهتر شده بود اما این آرامش‌های دنیوی، مهدی را راضی نمی‌کرد. به همین‌خاطر برای رفتن به سوریه هرکاری کرد تا اعزام شود. حتی بارها به نیروی زمینی مراجعه کرد تا این اتفاق هرچه زودتر بیفتد.

وی درباره روز آخر و سـپردن مسـئولیت وصیت‌نامه، گفت: یک روز قبل از اعزام با من تماس گرفت و گفـت خانه هسـتی، می‌خواهم بیایـم ببینمت. ماشـینش و یک وصیت‌نامه به من داد و رفت. من به او گفتم خودت سالم برمی‌گردی و وصیت‌نامه را به خودت می‌دهم. از من خواست وصیت‌نامه را به مسئول نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه خاتم بدهم. این سخن او خیلی مرا ترساند که نکند مهدی شهید شود. طولی نکشـید که همسرش با من تماس گرفت که مهدی چند روزی اسـت تماس نگرفته و ابزار نگرانی کرد. تا اینکه در حرم امام(ره) بودم که به من اطلاع دادند مهدی شهید شده است.

نیکومنش در پایان اظهار کرد: مهدی حیدری همانند پاسدارهای سال ۵۸ زندگی و رفتار می‌کرد. در محله ورامین منشـأ خیر و اثر بود. خادم حرم حضرت عبدالعظیم بود و بسیار زندگی ساده و بی‌ریایی داشت. با همه این مشـکلاتش رفت و در سوریه با دلاوری‌ها و ایثارگری‌هایی که از خودش به جـای می‌گذارد، سـرانجام در یک محاصره منطقه خان‌طومان با شلیک گلوله قناصه به زمین می‌افتد و به شهادت می‌رسد.

تصاویر شهدا را در فضای اتاقش نصب کرده بود

محمدرضـا خرمـی مسـئول اداری‌پشتیبانی نمایندگی ولی فقیه در قـرارگاه سـازندگی خاتم دیگر دوست شهید مهدی حیدری است کـه بیش از دیگـران روزهای آخر با این شـهید بزرگوار بوده است. او می‌گویـد اتاق محل کارش مملو از تصاویر شهدای مدافع حرم و صابرین بود؛ در اتاقی که او به عنوان افسـر آی‌تی فعالیت می‌کـرد. واقعاً برای شـهادت آمادگی داشت، زیرا یک روز قبل از شـهادت از سوریه با من تماس گرفت و از همکاران حلالیت خواسـت. مهدی واقعـاً آگاهانه به استقبال شهادت رفت.

وی افـزود: یک هفتـه قبل از اعزام به سـوریه پسر ۴ ساله‌اش را به محـل کارش آورد؛ کاری که تا آن روز هیچ‌گاه انجام نداده بود. این کار نشان می‌داد که او می‌خواهد با ما یک اتمام حجتی داشته باشد که فرزندش با محیط سپاه آشنا شود و از طرفی هم همکاران و دوستان هم خانواده و فرزندش را فراموش نکنند. این ارتباط بعد از شهادت با فرزندش ادامه پیدا کند.

بخشی از وصیت‌نامه شهید مهدی حیدری

مهدیا جانا شنو از ما سلام

جان به قربان توایم مولا سلام

«این وصیـت نامه عبد حقیر، بنده گناهـکار و امیدوار به رحمت خـدای مهربان مهـدی حیدری است.»«در ابتدا به یگانگی خداوند شهادت میدهم و سپس به حقانیت رسـولش محمـد مصطفی(ص) و قرآن کتـاب زندگـی و به ولایت علی مرتضی(ع) و همسرش زهرای زکیـه(س) و بـه اولاد علی(ع) و زهرا(س) که درود خدا بر اولین آنها تا آخرین آنها مهدی موعود(عج) و مظلوم ترین مرد تاریخ علی(ع) که نامش برای بزرگ مردان تاریخ مایه آرامش و قدرت و برای مظلومان مایه شهامت و برای من حقیر یک دنیا حرف، کسی که در اوج قدرت و در عین حقانیت شـاهد رحلت رسول خـدا(ص) بود و همچنین سـیلی خـوردن ناموس خـدا و به خاطر مظلومیتی که داشـت ریسمان بر گردنش افکندند تا بلکه شیر خدا را در بند کنند ، اما زهی خیال باطل ، یا علی جان (ع) یا زهرا(س)، جان ناقابل من فدای شـما و راه شـما وفدای حقانیت شـما و فدای اولاد شما، ان شاءالله که بپذیرید.

من یک پاسـدار با لباسی سبز برگرفته از علوی بودن رهبرم امامم سـیدعلی خامنه ای (حفظه‌الله) با اسـتعانت از خدای متعـال و امام زمان(عج) که جانم به قربانش. امامی که در سن ۵ سالگی بارسنگین من بچه شـیعه نافرمـان و گناهکار را به دوش کشـید و چقدر از دست من خون جگر خـورد ، مولا جان شرمنده هستم ببخشید که شما را این قدر خون جگر کردم خدایا تنها تو و اولیایت بودید که در سـختیها مرا همراهی کردید و یاریم نمودید، یا صبور ، یا رحمان ، یا رحیم ایاک نعبد و ایاک نستعین.

خلـوص در عمل تنهـا چاره ساز اسـت ای عاشـقان اباعبدالله الحسین(ع) بایستی محتوای فرامین امام خمینـی(ره) و رهبر عزیزمان امام خامنه ای(حفظه‌الله) را درک و عمل نماییم، بصیرت داشته باشیم تا بلکـه قدری از تکلیف خود بابت شـکر گذاری به جای آورده باشیم بی‌طرفی در دعوای حق و باطل معنا ندارد و باید در مقابل باطل ایستاد.»

شهید ناظری، اسطوره خلیج فارس فرمانده دل‌های دریایی

سـردار شهید محمد ناظری،فرمانده یگان تکاوران دریایی سپاه پاسداران اسطوره خلیج همیشه فارس و فرمانده دل‌های دریایی هم پس از سال‌ها رشادت و مجاهدت، به یاران شهید خود پیوست.

سـیمای سلحشورانه سـردار ناظری، برای بسـیاری از بینندگان برنامه «فرمانده» آشناسـت. او نماد و نمود دلاورانی بود که در عین استقامت و شور نبرد، دلی دریایی و مهربان دارند.سرلشگر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سـپاه، پس از شهادت سردار ناظری در منزل این شهید حضور یافت و گفت: بزرگترین ویژگی شـهید ناظری این بود که در این سـالها از ابتدای انقلاب تا کنون هیچ تغییری در ایشان ایجاد نشد.وی افزود: او همیشه پرکار و در صحنه و هر جای انقلاب که نیاز بود مسئولیت سخت‌ترین کارها را به عهده می‌گرفت. سـلیمانی تاکید کرد: علی‌رغم جایگاه و سنشان همچنان در صحنه بوده و تا آخرین لحظات عمر مشغول به خدمت بودند.فرمانده نیروی قدس سپاه تاکید کرد: ما جهاد مهمی را به یاد نداریم که شـهید ناظری در آن شـریک نبوده باشند.سلیمانی اظهار داشت: بنده از سال ۵۸ که نیروی آموزشی ایشان بودم تا کنون تغییر یا خستگی در ایشان ندیدم.

گفتنی است، صفحه فرهنگ مقاومت روزنامه کیهان، به زودی به ناگفته‌هایی از زندگی و مبارزات سردار شهید محمد ناظری خواهدپرداخت.

شناسـنامه مالکیت (برگ سـبز) پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۳ به شـماره انتظامی ۲۸۶د۹۶ ایران ۵۹ و شـماره موتور FSS۱۴۷۷۴۹۵۶ و به شماره شاسی ۸۳۶۳۵۰۰۱ متعلق به اینجانب احسان سـمیعی پاقلعه فرزند اسداله شماره شناسـنامه ۸۷۲۹ صادره از گرگان مفقـود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی حصر وراثت

آقای عبدعلی شـهرت ساکی نام پدر خلف بشناسنامه ۵۱۷۹ صادره از دشت آزادگان درخواسـتی بخواسـته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که شادروان مرحوم خلف شهرت ساکی بشناسنامه ۱۳۲۸ صادره دشت آزادگان در تاریخ ۹۳/۷/۱۶ در شهرسـتان اهـواز اقامتگاه دائمی خـود فوت ورثه‌اش عبارتنـد از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر ۲- حمید ساکی بشناسنامه شماره ۵۱۸۰ صادره دشت آزادگان ۳- احمد سـاکی بشناسـنامه شماره ۱۴۱۶۵ صادره دشـت آزادگان (فرزندان ذکور متوفی) ۴- حمیده سـاکی بشناسنامه شـماره ۵۱۷۸ صادره دشت آزادگان ۵- هیله سـاکی بشناسنامه شماره ۵۱۷۷ صادره دشـت آزادگان ۶- فاطمه ساکی بشناسنامه شـماره ۶۳۴۸ صادره دشت آزادگان ۷- لیلا سـاکی بشناسنامه ۹۳۸۶ صادره دشت آزادگان (فرزندان اناث متوفی) ۸- شمسیه ایروانی‌پور بشناسنامه شماره ۱۳۵۲ صادره دشت آزادگان (زوجه متوفی) ولاغیر بشرح دادخواست تقدیمی به کلاسه ۹۵-۱۳-۳۹ حقوقی می‌باشد.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشـد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سـری و رسـمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره۲ اهواز- عبدالقادر سواری

برگ کمپانی سـواری سمند ال‌ایکس مدل ۸۷ رنگ خاکستری متالیک به شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۲۱۸۲۹ و شماره شاسـی NAAC۹۱CC۴۸F۱۵۰۹۲۴ و شماره پلاک ۹۷۷ ص ۳۶ / ایران ۱۴ مفقود شده اعتبار ندارد.

آگهی فقدان پروانه حمل سلاح

پروانه حمل سـلاح به کد ۰۱۳۱۴۰۱۰۳۱۱۸ به شماره k۲۰۱۳۴۶ کالیبر ۸/۵ مدل نیمه خودکار ساخت روسیه به نام محمدمهدی معنوی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۲۱۷۷-۱۳۹۴/۱۲/۲۴ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمانهای فاقد سند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای‌خانم زهرا غفوری کسبی فرزند ولی‌اله بشماره شناسنامه ۱۱۰۱ صادره از ملایر در ششدانگ یکباب خانه به مسـاحت ۱۰۰/۸۱ متر مربع قسـمتی از پلاک یـک اصلی اراضی دولت‌آباد واقـع در بخش چهار ملایر خریداری از مالک رسمی آقای درویش حسین انگوری محرز گردید است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض، دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات، سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۵/۲/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۳/۱۰
حسین قاجاریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر

آگهی تحریر ترکه

نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۵۷/۹۵ ح این حوزه آقای رحمن علی‌دادی درخواست تحریر ترکه مرحوم غیزان علی‌دادی را نموده اسـت و قرار ترکه شماره ۲ مورخه ۹۵/۲/۲۲ صادر گردیده است و برای روز ۹۵/۳/۲۵ رأس ساعت ۱۰ صبح نوبت تحریر ترکه تعیین گردیده است، لذا بدینوسیله مستندا به ماده ۲۱۰ قانون امور حسبی به تمامی ورثه یاد شـده یا نمایندگان قانونی آنها یا بستانکاران از متوفی و مدیونین به وی و هر کس که به هر طریقی حقی بر ترکه متوفی دارد، ابلاغ می‌شود در ساعت و تاریخ یادشده در محل شعبه ۲ شورای حل اختلاف مجتمع مرکزی بندر امام خمینی(ره) به نشانی سربندر پشت اداره کار خیابان ۱۷ شهریور حاضر شوند.
شعبه ۲ شهری مجتمع مرکزی شورای حل اختلاف بندرامام خمینی

«نمایش جلوه‌های زیبای مصرف بهینه آب، امری بسیار پسندیده است»

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب شهری استان سمنان (سهامی خاص)

آگهی فراخوان شناسایی سرمایه‌گذار

تکمیل بخشی از تاسیسات فاضلاب شهر شهمیرزاد به روش بیع متقابل (مزایده)

نوبت اول

شـرکت آب و فاضلاب استان سـمنان در نظر دارد در راستای مفـاد بند «ه» تبصره ۱۹ قانون بودجه سـال ۱۳۹۴ و دسـتورالعمل ماده ۲۷ قانون الحاق برخی از مواد به قانون تنظیم بخشـی از مقررات مالی دولت(۲) با موضوع شرایط واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید، نیمه تمام، تکمیل شده و آماده بهره‌برداری، به بخش غیردولتی (مصوب ۹۴/۷/۴)، تکمیل بخشـی از تاسیسات جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب شهر شـهمیرزاد را در ازای تخصیص پساب به منظور کاربری معین و با حجم مشـخص برای دوره زمانی محدود و معین به روش بیع متقابل و با شـرایط ذیل، به سرمایه‌گذار واجد شرایط واگذار نماید.

الف: شرح مختصری از پروژه:
- موضوع پروژه: تامین مالی و تکمیل بخشی از تاسیسات فاضلاب شهر شهمیرزاد شامل:
۱- تکمیل شـبکه جمع‌آوری فاضلاب به طـول ۶۳ کیلومتر به اقطار ۲۰۰ و ۲۵۰ میلیمتر
۲- طراحـی و اجـرای مـدول دوم تصفیه‌خانـه فاضـلاب موجود و بهره‌برداری از دو مدول در طی مدت قرارداد
۳- نصب حدود ۷۰۰۰ فقره سیفون فاضلاب
- سرمایه‌پذیر: شرکت آب و فاضلاب استان سمنان
- مشاور: مهندسین مشاور تکاب‌گستر پارس
- برآورد اولیه سرمایه‌گذاری حدود ۲۵۹ میلیارد ریال
- دوره احداث: ۳ سال
- دوره بهره‌برداری تجاری: با ارائه مدل مالی
- راندمان تصفیه: ۹۰ درصد
- جمعیت تحت پوشش: حدود ۳۵۸۰۰ نفر (افق طرح)
- محل اجرا: شهر شهمیرزاد (استان سمنان)

ب: شرایط کلی برای سرمایه‌گذاری:
- سـرمایه‌گذار بصورت شـخص حقیقی یا حقوقی با داشـتن سابقه مدیریتی قابل قبول، تامین و تخصیص سـرمایه مورد نیاز را به عهده خواهد داشت.
- تاریخ مهلت دریافت اسـناد ارزیابی: سـرمایه‌گذاران واجد شـرایط می‌تواننـد با ارایه نامـه اعلام آمادگی جهت سـرمایه‌گذاری در طرح مذکـور، از تاریـخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ لغایت پایان وقـت اداری ۱۳۹۵/۳/۵ مراجعه فرمایند.
- **محل دریافت اسناد ارزیابی:**
الف) دفتر مهندسـین مشاور: تهران خ شـریعتی، خ ملک، ساختمان اداری ملک (پلاک ۲۰) واحد ۸- مهندسین مشاور تکاب‌گستر پارس
ب) شرکت آب و فاضلاب استان سمنان به آدرس: سمنان، بلوار بسیج، روبروی استانداری، شرکت آب و فاضلاب شهری استان سمنان
محل و زمان تحویل مدارک درخواسـتی: مهلت تحویل اسناد ارزیابی تکمیل شده، تا ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۱۳۹۵/۴/۵ و محل تحویل دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان سمنان می‌باشد.
بدیهی است پس از بررسی مدارک ارزیابی که توسط شرکت‌کنندگان تکمیل و تحویل می‌شود، از سرمایه‌گذاران واجد شرایط جهت مذاکرات قراردادی دعوت به عمل خواهد آمد.
روابط عمومی و آموزش همگانی
شرکت آب و فاضلاب شهری استان سمنان

First Announcment

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب شهری استان سمنان (سهامی خاص)

Call for identification of investors for Completion of a section of wastewater system in Shahmirzadcity through contract Buyback(Auction)

In the context of item (e) Clause 19 of the Budget Act for the year 1394 (2015-2016), And Guideline 27 of the Law for annexation of some articles to the law on drafting part of the goverment's financial regulations (2) on conditions for concession of new, half-complete, completed and ready for operation capital assest acquisition plans to private sector (approved con26th September 2015), the Semnan Water Wastewater company intends to concede theallocation of the determined volume of treated effluent for specific use for a limited and predetermined period through Buyback contract according to the following conditions to aqualified investor.
A- Brief deseription of the project:
- Subject completion of a section of the wastewater in Shahmirzadcity, including:
- Complete the collection wastewater with length about 63 Km & diameter 200 & 250 mm
- Design & construction of second moduleof WWTP & operating from 2 module duration of contract.
- Construction of about 7000 wastewater branches.
- Concessioner The Semnan Province Water and Wastewater Company
- Consultant: TakabGostar Pars
- Construction Period: 3 years
- Commercial operation period: Financial model to be submitted
- Treatment efficiency: 90%
- Population coverage: 35800 persons
- Project site: Shahmirzad, Semnan Province
B- General conditions for investment:
- The investor must be a real or legal entity in possession of acceptable management experiene to center and allocate the required investment.
- Date, deadline and address to collect the qualification: Qualified investor may submit their letter of intent for investment in the plan and collect the quflification documents from 17/5/2016 until the end of office hours on 25/5/2016 from:
- Semnan Provice Water & Wastewater Co. BasijBtv, Semnan.
- T.G Pars Co. until 8. No 20. Malek St. Shariati St. Tehran
- Address and deadline for submission of the required documens. The completed valuation forms should be submitted at 15.00 on saturday dated 25/6/2016 to Semnan Province Water & Wastewater co.
- Following the review of the evluation documents submitted by the interested parties, the qualified investors shall be invited for conract negotiations.

«مصرف بهینه آب، یک الزام جدی و ضرورت همگانی است.»

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب شهری استان سمنان (سهامی خاص)

آگهی فراخوان شناسایی سرمایه‌گذار

تکمیل بخشی از تاسیسات فاضلاب شهر شاهرود به روش بیع متقابل (مزایده)

نوبت اول

شرکت آب و فاضلاب استان سمنان در نظر دارد در راستای مفاد بند «ه» تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ و دستورالعمل مـاده ۲۷ قانون الحـاق برخی از مواد به قانون تنظیم بخشـی از مقررات مالی دولت (۲) با موضوع شرایط واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌هـای سـرمایه‌ای جدید، نیمه تمام، تکمیل شـده و آماده بهره‌برداری، به بخش غیردولتی (مصوب ۹۴/۷/۴)، تکمیل بخشی از تاسیسـات جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب شهر شاهرود را در ازای تخصیص پسـاب به منظور کاربری معین و با حجم مشخص برای دوره زمانی محدود و معین به روش بیع متقابل و با شـرایط ذیل، به سرمایه‌گذار واجد شرایط واگذار نماید.

الف: شرح مختصری از پروژه:
- موضوع پروژه: تامین مالی و تکمیل بخشی از تاسیسات فاضلاب شهر شاهرود شامل:
۱- تکمیل شـبکه جمع‌آوری فاضلاب به طـول ۲۲۶ کیلومتر به اقطار ۲۰۰ الی ۵۰۰ میلیمتر
۲- طراحی و اجرای طرح بهینه‌سـازی، ارتقا و توسعه تصفیه خانه فاضلاب موجود و بهره‌برداری از آن در طی مدت قرارداد.
۳- طراحی و اجرای ایستگاه پمپاژ انتقال فاضلاب برای بخشهایی از شهر
۴- نصب ۳۷۵۰۰ فقره سیفون فاضلاب
- سرمایه‌پذیر: شرکت آب و فاضلاب استان سمنان
- مشاور: مهندسین مشاور تکاب گستر پارس
- برآورد اول